

# نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۱ مرداد ۱۳۹۴

عنوان: از طهران تا تهران

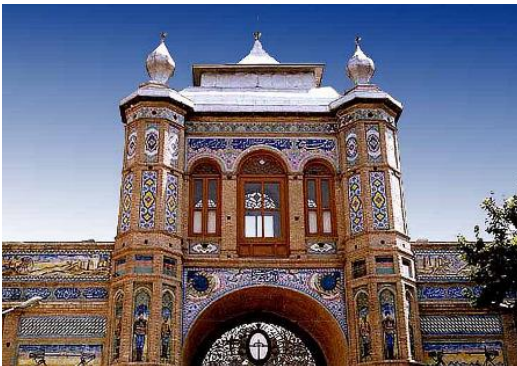
سخنرانان و اعضای پنل: آقای دکتر محمدمهدی محمودی، آقای مهندس فرامرز پارسی و خانم مهندس لیدا اسلامی

چهل و یکمین نشست از سلسله نشست های عصر پنجشنبه با حضور جمعی از اساتید، صاحب نظران و علاقه مندان با موضوع "از طهران تا تهران" به ترتیب با سخنرانی دکتر محمد مهدی محمودی، دکتر فرامرز پارسی و مهندس لیدا اسلامی برگزار شد. چکیده‌ای از سخنرانی‌ها به شرح زیر می‌باشد.

**سخنران اول آقای دکتر محمدمهدی محمودی**، وی از گذشته ی کلمه ی طهران که طه ران بوده (به معنای پای کوه) که رفته رفته به طهران و سپس تهران تغییر پیدا کرده، صحبت کردند. تهران دستخوش تغییرات بسیاری شده است. درخت های چنار و



باغات اطرافش از بین رفتند و جای خود را به فضاهای سبز خطی کنار بزرگ راه ها دادند. خانه های شیروانی شمال شهرش به آپارتمان ها تغییر شکل داد. دیگر خبری از برف روی دماوندش نیست. اتومبیل های طهران با ترس در خیابان ها ظاهر میشود چرا که اولویت با پیاده ها بود در حالی که امروزه در تهران چنین نیست. حتی المان های قبلی شهر جای خود را به المان های جدید دادند. صحبت اینجاست که آیا در این روند تغییرات طهران-تهران هویتش بهتر شده و یا بدتر؟



موارد بسیاری در رابطه با خصوصیات بناها و فضاهای طهران در گذشته ذکر شد. برای مثال بلند مرتبه سازی در گذشته به این شکل انجام میشده است. ساختمان پلاسکو با این ارتفاع در کنار سایر ساختمان های کم ارتفاع اطراف خود قرار گرفته است و مشغول خودنمایی است که دارای چه فکری بوده که بدین شکل قرار گرفته آنهم در شمالی ترین نقطه ی طهران در آن دوره.

دروازه ها هم از دسته المان هایی هستند که گاهی بنای آن مانده اما

دیگر دروازه خطابش نمیکنند و یا دیگر بنایی هم از آن باقی نمانده است. گاهی هم بنا و نامش هر دو هستند اما دیگر کاربرد گذشته را ندارند. در گذشته ورودی های شهر و یا مناطق حکومتی را تشکیل میدادند. جالب اینجاست که این بناها قلعه نبوده و نمای اصلی به سمت حیاط خودشان بوده اما نمایی که در معرض دید مردم بوده نیز نمای قشنگی بوده طوری که بسیاری از مردم فکر میکنند نمای اصلی همین نمای رو به خیابان است و این احترامیست که برای مردم قائل میشده است.

کم کم طای طهران دو نقطه میشود و عناصر جدید جای خود را به عناصر پیشین میدهد. مجسه هایی را باید در میدان های شهر قرار می دهیم، چه پیامی را بدهیم، در چه ارتفاعی و اینکه مردم آنها را چگونه ببینند. بعضی نشانه ها خوب بوده و بعضی دیگر در خور نبوده و میتوانسته در جایگاه بهتری مطرح بشود. کم کم معماری هایی ساخته شد توسط کسانی که دانشگاه رفته اند و تحصیلات آکادمیک دارند. اما پیشتر بنا توسط یادگیری رابطه استاد و شاگردی شکل میگرفت. هجوم خودرو ها و جمعیت شکل جدیدی به معماری و شهرسازی داده و ما برای پاسخگویی به این نیاز ها ناچار به ساخت تونل ها و ساختمان های بلند مرتبه هستیم و اینجاست که ما یک گسست بین گذشته و حال داریم.

هویت های دیروز طهران و چهره معماری های قدیم طهران در حال حاضر خسته است. و هویتش رفته رفته دارد منزوی میشود.



**سخنران دوم آقای مهندس فرامرز پارسی، وی طهران را به عنوان پایتختی که حدود ۲۰۰ سال قدمت دارد معرفی کردند.** این موضوع می تواند ویژگی مهمی باشد چراکه یکی از طولانی ترین دوره های پایتخت بودن را داراست. اما ویژگی خیلی مهم دیگری که دارد اینست که تهران در دوره ای قرار گرفته که دوره ی ارتباط خیلی مهم معماری و فرهنگ حوزه ای است که ما اسمشو ایران میگذاریم ( به طور اخص خود تهران ) با دنیای پیرامونش علی الخصوص جهان غرب. در واقع تهران یک میدانی شده برای ورود یک سری مفاهیم و چیزی که ما امروز به عنوان تهران میشناسیم حاصل ورود این مفاهیم هستند. موردی که ما به کرات در کتاب ها خواندیم و در سمینار های مختلف به طور یک ترجیح بند مدام تکرار میشد، این بود که معماری ایران از اواسط دوره قاجار مورد هجوم فرهنگ و معماری غرب قرار گرفته و ما شاهد یک انقطاع هستیم. که از جایی معماری ما موم شده و معماری دیگری شروع شده است. به خصوص وقتی که با شهرهای دست نخورده ای مانند یزد و نائین و ... مقایسه میشده و آن وحدت و یکپارچگی را به وضوح در آنها میشود دید که اشک هر مخاطبی را در می آورد. اما سوالی که اینجا مطرح می شود اینست که چرا و چه طور این انتخاب ها بوجود آمده و اصلا چه طور شده که این نشانه های معماری وارد شده است؟ چرا به جای سرستون های کرنیتین میداین اروپایی و پلازاها وارد ایران نشده است؟ این برمیگردد به انتخاب های ما و نشانه شناسی ایرانی برای قبول طرح های وارداتی. البته این نظام علت و معلولی نیست که بتوان برایش سرچشمه در نظر گرفت و پاسخ به چرای این سوال را به طور یقین داد. همان طور که شکل گیری زبان را نمیتوانیم تشخیص دهیم و تنها روند رو به رشدش را میتوانیم تحلیل کنیم. جامعه معماری هم همانند یک جامعه زبانی است. مطلب دیگر اینست که در نهایت این نشانه های وارداتی نیز با انتخاب و سلیقه ی طهرانی در هم آمیخته شده برای مثال سرستون هایی که ما میبینیم سرستون های کرنیتین نیست بلکه به تدریج ساختار ویژه ای برای آن در نظر گرفته شده است که با ابتدای ورود خود متفاوت است که ما میتوانیم سلیقه طهرانی را در آن ببینیم. البته درست است که نگهداری و حفظ فرهنگ یک تمدن به غنای آن کمک خواهد کرد اما در نهایت شهری مانند طهران در مسیر یک تحول طبیعی در برابر وقایع پیرامونش هست که به این شکل درآمده است.



**سخنران سوم خانم مهندس لیذا اسلامی**، وی به بررسی محدوده ای تاریخی در شهر تهران پرداختند معروف به محدوده حصار صفوی. محدوده حصار صفوی در تصویر زیر مشخص است که محدوده ای بالغ بر ۴۰۰ هکتار را شامل می شود. این محدوده پتانسیل تاریخی بسیاری دارد. در واقع نسبت تهران به عنوان پایتخت برای ایران همانند نسبت محدوده حصار صفوی برای تهران است. کانون هویتی تهران است. مرکز تمرکز سیاست در شهر است و درشت دانه ای مانند بازار بزرگ تهران کانون اقتصاد در این محل قرار دارد. حدود ۱۷۰ اثر تاریخی ثبت شده در این محدوده قرار دارد. که می تواند جاذبه گردشگری باشد. این طور به نظر می آید که اجتماع بخش عظیمی از این فعالیت ها در این منطقه دیگر مشکلی متوجه این محدوده نخواهد بود. اما با بررسی های بیشتر متوجه شدیم که تعداد جمعیت روز و شب در این محدوده تفاوت زیادی دارد و که این توزیع نامناسب سبب نا امنی در شب و محدودیت تردد را به همراه خواهد داشت. معضلات ترافیکی به سبب حجم وسیع تردد در روز نیز از مشکلات دیگر این محدوده می باشد. وجود کودکان کار، زنان بی سرپرست و اشرار و معتادین از دیگر معضلات این محدوده است. طرح های زیادی در این محدوده انجام شده اما چه چیزی باعث شده تا بازم ما شاهد این معضلات باشیم؟ بررسی های انجام شده نشان میدهد که منازل مسکونی آن اطراف به تجاری تغییر کاربری دادند. شاخص کیفیت زندگی در این محدوده پایین است. بعد از بررسی آسیب های اجتماعی، مساله دیگر آسیب های اقتصادی در این محدوده بود. بالا بودن نرخ بیکاری برای جمعیت ساکن این محدوده و ... برای طرح ساماندهی این محدوده باید حیات را وارد این محدوده کنیم. فضاهای کالبدی را احیا کنیم تا برای رفع نیاز امروز کاربرد



داشته باشند. زندگی شبانه در این محدوده بازتولید شود. شاخص های فضاهای قابل دفاع در این محدوده به دو شاخص فیزیکی و اجتماعی تقسیم میشوند. برای شاخص های فیزیکی باید موانع بصری، ساختمان های مخروبه و کم بودن میزان نور در شب را جبران کنیم و برای شاخص های اجتماعی میزان حضور مردم و نگهبانان را افزایش دهیم. فاصله اندک تا بافت مسکونی نیز از دیگر عوامل بهبود دهنده است. در نهایت برای تاثیرگذاری سریعتر و موثر باید باید دنبال راهکارهای بهبود دهنده باشیم. ممکن است در ابتدا مشکل ها حل نشوند اما می توانیم تسکین موقتی بدهیم تا بتوانیم روند پیشبرد طرح عملی تر جلوه دهیم.

